



ایرن: اولین تست بازیگری را با حضور نویسن در زندان قصر دادم
خانم ایرن زازیانس (عاصمی) هنرپیشه معروف فیلم های فارسی نیم قرن اخیر اولین کارش را با گروه شاگردان نویسن در تأثیر سعدی آغاز کرد، او در این مورد می گوید: برای افتتاح تأثیر سعدی قرار بود خانم لرتا نمایشنامه «بادبزن خانم ویندرمیر» را روی صحنه ببرد. برای نقش «خانم ویندرمیر» مرا انتخاب کردند، البته خانم مهرزاد توقع داشت با توجه به سابقه اش این نقش را به او بدهند نه به من که دختری جوان و تازه از راه رسیده بودم. خانم لرتا در این مورد با آقای نویسن در زندان ملاقات می کند و نویسن خواسته بودند مرا ببینند. به همین دلیل به همراه خانم لرتا به زندان قصر رفتم. اولین باری بود که نویسن را می دیدم آن هم در دفتر زندان. نویسن از من خواست تا از روی میز یک کتاب بیاورم، او میخواست به این بهانه راه رفتن مرا ببیند. در حقیقت آنروز در زندان قصر اولین تست بازیگری ام را دادم. (از کتاب جادوی صحنه)

سخت مریض بود، آمده بود؛ البته قبل از تیراندازی به شاه. دیگری را نمی شناختم. فردوس وقتی مرا دید لحظاتی سکوت کرد. من هم مستقیماً به او نگاه نکردم و واقعاً چیزی برای گفتن نداشتم. بالاخره "سیلی استاد" مثلی است قدیمی!

آخرهای شب میمانم ها رفتند و ساعت ها چراغ اتاق فردوس روشن بود. این اواخر فردوس اغلب تنها بود و بیشتر به فکر می رفت، طوری که گاهی برایش قهوه می بردم لحظاتی متوجه نمی شد و من او را متوجه می کردم.

قهوه ترک را با لذت می خورد. سیگاری آتش می زد و یک صفحه کلاسیک گوش می داد و چشمانش را می بست و در افکار خود غوطه ور می شد. این طور قهوه خوردن فردوس آنقدر زیبا و دوست داشتنی بود که بعدها من این کار را می کردم، ادایش را در می آوردم. منتهی کسی نبود به من نگاه کند و لذت ببرد. اصلاً هم نمی دانستم واقعا من از خوردن قهوه و پکی به سیگار و گوش کردن به موسیقی کلاسیک لذت می بردم یا خودم می دانستم دارم ادا در می آورم. چیزی از موسیقی نمی فهمیدم.

روز بعد پس از صبحانه فردوس مرا صدا کرد و گفت: می خواهم برایم وسایلی تهیه کنی. گفتم: خوب آقا چه چیزی می خواهید؟! یک ساعت امکا خواست و چند قواره پارچه کت و شلوار که قرار شد من نمونه آن را ببرم که رنگ و جنس پارچه آن را انتخاب کند. یک جفت دستکش چرمی و یک ساک که بتواند روی دوشش بیاندازد و حملش آسان باشد هم سفارش داد. با توضیحاتی که فردوس برای خرید داد، حدس زدم مثل این که انشاءالله می خواهد برود سفر! گفت وگو با فردوس به اینجا منتهی شد که حتی همسر من نباید از این مسأله باخبر باشد.

کاملاً مخفی و بسیار ماهرانه باید خرید انجام شود. فردای آن روز، شروع کردم به خرید - البته با پولی که در اختیارم گذاشته بود- سه قواره کت و شلوار انگلیسی، یک ساعت بند چرمی و یک ساک چرمی خوش رنگ...

دنباله مطلب در صفحه ۸

حرف می زد. چطور می ناخودآگاه افتادم وسط جریانی که فکر نمی کردم این شکلی شود. از این برخورد فردوس ناراحت بودم. با خودم فکر کردم اگر می پرسید جریان چی بود و من تعریف می کردم، به خصوص پس از نجات از چنگال پلیس، چقدر خوش می آمد که اینطور آگاهانه رفتار کردم. آرزو می کردم یک طوری این قضیه تمام شود. دیگر داشتم می بردم...

دکتر یزدی هم به خانه ما می آمد
از اتاق فردوس، صدای گفت و گو و بگو بخند به گوش



روزنامه باختر امروز نوشت: تأثیر سعدی با نمایش شتل قرمز قدم مؤثری در افشای مفاسد دادگستری برداشته است.
نمایشنامه «شتل قرمز» اوژن بریو با ترجمه عبدالحسین نویسن در بهمن ماه سال ۱۳۳۰ در تأثیر سعدی روی صحنه رفت. در این نمایشنامه لرتا، توران مهرزاد، ایرن عاصمی، حسین خیرخواه، محمد علی جعفری و عطاءالله زاهد نقش داشتند. روزنامه «باختر امروز» که به سردبیری روانشاد دکتر حسین فاطمی انتشار می یافت نوشت: تأثیر سعدی با نمایش «شتل قرمز» قدم مؤثری در راه انتباه مردم و نشان دادن مفاسد دادگستری برداشت. شتل قرمز نشان می دهد که چطور شهرت و مقام و جاه طلبی جلوی همه عواطف بشری را می گیرد. نشان می دهد که چگونه می توان با سرنوشت مردم بازی کرد و چطور می شود به خاطر مقام و زد و بند سیاسی همه خوبی ها و فضایل اخلاقی را زیر پا گذاشت.

میرسید. با وسایل پذیرایی به طرف اتاق رفتم. در زدم. فردوس گفت: بیا تو.

از دونفری که با فردوس آمده بودند، دکتر یزدی را خوب می شناختم که خنده اش معروف بود. یکبار هم بالای سر پدرم که

یاد مانده ها

از نصرت الله نوح (۱۳۷)

www.safinehnooh.com

نظری گذرا به تأثیر تجربی - علمی ایران (۹)
عزت الله انتظامی پیر دیر تأثیر ایران!
وقتی از بازداشت رها شدم نویسن با یک سیلی به استقبال آمد!
نویسن تا آخرین روزهایی که از ایران خارج می شد می گفت:
عزت جان آن قضیه را فراموش کن به جان کاوه و لریک دست خودم نبود!

خاطرات عزت الله انتظامی چه آنهایی که در مصاحبه با او در خانه سینمای تهران با من در میان گذاشت و چه قسمت هایی را که از کتاب «جادوی صحنه» او نقل کردم در این بخش به پایان خود می رسد. در آخرین قسمت، رهایی از بازداشت انتظامی و سیلی خوردن او از نویسن و مهاجرت او از ایران را می خوانید. آنگاه نظرات و خاطرات انور خامه ای یکی از بازماندگان گروه ۵۳ نفر پیرامون زندگی و هنر نویسن آغاز می شود. این مطلب از کتاب «چهار چهره» اثر انور خامه ایست که پیرامون چهار شخصیت بزرگ هنری ایران **نیما یوشیج، صادق هدایت، ذبیح پرویز و عبدالحسین نویسن** سخن گفته است.

حسین خیرخواه و حسن خاشع مورد انتقاد قرار گرفتیم که آدم وقتی مهمان دارد یا کسی در منزلش مخفی شده، باید اصلاً در اجتماعات شرکت نکند و کلی راه و رسم بادم دادند. بعد از چند روز به من خبر دادند که آقای فردوس امشب می آید. دم دمای غروب داشتم می رفتم برای خرید، چون هر وقت این رفت و آمدها انجام می شد، یکی دو نفر تا دیروقت می ماندند و باید پذیرایی می شدند. از کوچه بن بست قدیمی خارج شدم. دیدم یک ماشین مشکی شیک، سرکوچه نگه داشت و فردوس پیاده شد و به اتفاق دو نفر به طرف پناهگاه حرکت

روزی که نویسن به صورتم سیلی زد!
وقتی از بازداشت رها شدم اصلاً نمی دانستم کجا هستم. یک خرده پرسه زدم. آن موقع شروع حرکت اتوبوس ها از بازار بود و به راه آهن ختم می شد یا از بازار به طرف شرق تهران.

سوار یک اتوبوس شدم چند بار پیاده شدم. تقریباً از ظهر گذشته بود که بالاخره سوار خط ۱۷ که می آمد پل چوبی شدم. با دقت تمام اطرافم را نگاه می کردم. با ترس و لرز به طرف خانه آماده انفجار حرکت کردم. چند کوچه هم این طرف و آن طرف رفتم تا کاملاً مطمئن شدم کسی دنبال من نیست. بالاخره با بسم الله و قلل هوالله، کلید را به قفل نزدیک کردم. در را باز کردم. حدوداً ساعت ۲ بعداز ظهر بود که دیدم آقای فردوس لباس پوشیده، کلاه و کیف به دست آمده در گوشه حیاط ایستاده و سر و صدای همسر و مجید از آشپزخانه می آید. اصلاً متوجه جریانی که می گذرد نبودم. یکی از بچه های تأثیر که خانه ما را بلد بوده و رمز در زدن را هم می دانست، به اطلاع فردوس رسانده که آماده حرکت باشد. فردوس از یکی دو ساعت قبل از ظهر آماده در حیاط منتظر بوده و لحظه ای که مرا دید، با عجله به طرف من آمد و ناگهان سیلی محکمی به گوشم زد. سکوتی طولانی بین ما حاکم شد.

هم من حیرت کردم، هم خودش. اصلاً متوجه نشد چه کاری کرده، گفت: کسی دنبالت نبود؟

فقط نگاه کردم. واقعا نمی دانستم چه بگویم. فقط با سر اشاره کردم خیر و به طرف اتاق خودمان رفتم. دو سه بار صدا کرد: "عزت وایسا کارت دارم... اصلاً نمی توانستم کاری بکنم، جز این که بدم در اتاق و تنها باشم. با عجله دویدم. فردوس با شنیدن صدای زنگ در به سرعت به اتاق خود رفت و مخفی شد و از پشت شیشه حیاط را نگاه کرد. آقای حسام لنگرانی که بارها خانه ما آمده بود، داخل شد. خیلی راحت و سرحال گفت: فردوس کجاست؟

فردوس با کیف دستی از اتاق بیرون آمد و به اتفاق خانه را ترک کردند.

شب رفتم تأثیر سعدی بچه ها دوره ام کردند. هرچه اتفاق افتاده بود، توضیح دادم البته به جز خوردن سیلی. قدری از طرف

یک خدا، یک پیام، یک دین

کدام دین؟
با اینکه آداب و رسوم ادیان متفاوت هستند ولی یکتا پرستی اصل و اساس تمام ادیان است

یگانگی ادیان

قرآن ۴۲:۱۳
او همان دینی را برای شما مقرر کرد که برای نوح مقرر کرد و آنچه ما بر تو (محمد) وحی کردیم و آنچه برای ابراهیم، موسی و عیسی مقرر نمودیم: «شما باید از همین یک دین پیروی کنید و آن را فرقه فرقه نکنید...»

کتاب مقدس - مرقس ۱۸-۱۷:۱۰
چون به راه می رفت، شخصی دوان دوان آمده، پیش او زانو زده، سؤال نمود که «ای استاد نیکو چه کنم تا وارث حیات جاودانی شوم؟»
عیسی بدو گفت: «چرا مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز **تنها خدا**.»

تفنیه ۵-۶:
ای بنی اسرائیل گوش کنید: «پروردگار خدای ما خدائست یکتا. او را با تمامی دل جان و توانایی خود دوست بدارید»

یسنا ۷:۲۴
پس من با راستی و درستکاری می خواهم که تنها تو (ای خدا) پناه و یار من باشی

جمعیت یکتا پرستان ۷۵۷۰-۹۱۶ (۴۰۸)
www.masjiduntucson.org www.submission.org

سام فینی

مشاور املاک و وام (سانفرانسیسکو، سن حوز و بی اریا)
❖ خرید Buy ❖ فروش Sell ❖ وام Finance

<p>Berkeley Mixed Use</p> <p>Nicely remodeled Store Front with 2 Apartments on The Top, 2BR/2BA each. All New Roof, Windows, Doors, Kitchens, Baths, Appliances, Electrical, Plumbing & more. Offered: \$1,199,000</p>	<p>Triplex, Berkeley</p> <p>Location, Cash Flow, Investment! Gorgeous 3 plex in nice location of Berkeley with cash flow. On 1BR/1BA & Two 2BR/1BA & 3 car parking. Separated gas & electric meters. Offered: \$768,000</p>	<p>Daly City, Florist Business</p> <p>Over 30 Years of Operation, Great Cash Flow, Long or Short Term Lease Possible, \$1,600 per month rent & \$79,000 for business Including Inventory, Coolers, Tools & More! Offered: \$79,000</p>
<p>Daly City</p> <p>With Panoramic Ocean View</p> <p>3BR/2BA Up & Unwarranted 1BR/1BA Downstairs, 1800 Sq.Ft., Nicely Remodeled Kitchen, Baths, 2 Car Garage Side by Side, Unbelievable Ocean View, Hurry, Won't Last Long! Offered: \$789,000</p>	<p>Daly City</p> <p>Westlake Olympic #1 House, 1st time on the market near 40 years! 4+BR, 2.5 BA Including One Master, 2600 Sq.Ft Living Area, 3 Car Garage Tandem, Formal Dining Room, Breakfast Nook, Eat in kitchen, Refrig, Stove & Dishwasher, Fireplace & Original Bathrooms. Offered: \$920,000</p>	<p>Daly City</p> <p>4BR/3BA Including One master, 2220 Sq. Ft living area, Beautifully remodeled gourmet kitchen W/breakfast Nook & Island, Formal Dining Room, Professional Series stainless Appliances & double sink, refrigerator, stove & dishwasher, cabinetry, marble fireplace & Updated Bathrooms. Offered: \$935,000</p>

(650)834-1586
www.samfini.com
Email: farsi@samfini.com
Fax: (650) 991-3630

Sam Fini
Realtor/Loan Specialist
San Francisco Bay Area

COLDWELL BANKER
DCP
(650) 834-1586